Modern Interdisciplinary Research in Law
Vol. 6, Issue 3, Fall 2026, 15-37
jmirl.apadana.ac.ir

Apadana Institute of Higher Education

Possibility or denial of the right to good administration within the Iranian administrative law system

Sadegh Moradi* | Instructor at Shiraz University, Shiraz, Iran.

Mehrnoosh Haseli | Bachelor of Laws Student at Zand Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Received: 06/June/2026 Accepted: 14/August/2026 eISSN: 2783-4204 ISSN: 2783-3631

Abstract

The evolution of contemporary administrative law highlights the increasing importance of transitioning from the traditional model of ex post control of administrative decisions to the establishment of ex ante mechanisms for administrative justice. In this context, the concept of good administration is viewed not merely as a collection of moral guidelines or general principles but as a binding legal framework designed to regulate administrative discretion and safeguard citizens' rights within the public decision-making process .

This study adopts an analytical and critical perspective to reinterpret the concept of good administration in relation to the principles of procedural justice. It aims to demonstrate how elements such as the right to be heard, the right to access information and administrative records, the obligation to provide reasoning for decisions, as well as transparency and accountability, can effectively prevent unfair administrative decisions.

In advanced legal systems, good administration is recognized as a fundamental right of citizenship and has been established through binding international instruments and judicial practices. In contrast, an examination of the Iranian legal system reveals that while some aspects of good administration are mentioned sporadically in various laws, the lack of conceptual coherence, inadequate effective executive guarantees, and a prevailing ex post approach to judicial oversight hinder the full realization of this model.

Focusing on selected legal experiences, this article argues that realizing good administration in Iran necessitates redefining the role of administrative law from merely justifying public power to actively controlling and guiding it. The research findings indicate that strengthening ex ante guarantees, requiring administrations to uphold citizens' procedural rights, and developing a principles-based approach within the procedures of the Administrative Court of Justice can significantly enhance public trust and support the true realization of the rule of law in public administration.

Keywords: Effective governance, transparency in administration, the right to protest, accountability of institutions, and efficient government operations.

* Corresponding Author: Moradi.email@yahoo.com

فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق
دوره ۶، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۵، ۱۵-۳۷
jmirl.apadana.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳ eISSN: 2783-4204 ISSN: 2783-3631

امکان یا امتناع حق اداره مطلوب در نظام حقوق اداری ایران

صادق مرادی* | مربی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مهرنوش حاصلی | دانشجوی کارشناسی حقوق مؤسسه آموزش عالی زند، شیراز، ایران.

چکیده

تحول در حقوق اداری معاصر، بیش از هر زمان دیگری بر ضرورت گذار از الگوی سنتی کنترل پسینی تصمیمات اداری به سوی نهادینه‌سازی سازوکارهای پیشینی عدالت اداری تأکید دارد. در این چارچوب، مفهوم اداره مطلوب نه به‌عنوان مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی یا اصول کلی، بلکه به‌مثابه یک الگوی حقوقیِ الزام‌آور برای مهار صلاحدید اداری و تضمین حقوق شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی مطرح می‌شود. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تحلیلی-انتقادی، به بازخوانی مفهوم اداره مطلوب در پرتو اصول عدالت رویه‌ای پرداخته و می‌کوشد نشان دهد که چگونه عناصری نظیر حق استماع، حق دسترسی به اطلاعات و پرونده اداری، الزام به ارائه دلایل تصمیم، شفافیت و پاسخگویی، می‌توانند نقش مؤثری در پیشگیری از تصمیمات ناعادلانه اداری ایفا کنند. در نظام‌های حقوقی پیشرفته، اداره مطلوب به‌عنوان یک حق بنیادین شهروندی شناخته شده و از طریق اسناد الزام‌آور بین‌المللی و رویه‌های قضایی تثبیت شده است. در مقابل، بررسی نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که هرچند برخی مؤلفه‌های اداره مطلوب به‌صورت پراکنده در قوانین مختلف مورد اشاره قرار گرفته‌اند، اما فقدان انسجام مفهومی، نبود ضمانت‌های اجرایی مؤثر و غلبه رویکرد پسینی در نظارت قضایی، مانع از تحقق کامل این الگو شده است. این مقاله با تمرکز بر تجربه‌های حقوقی منتخب، استدلال می‌کند که تحقق اداره مطلوب در ایران مستلزم بازتعریف نقش حقوق اداری از ابزار توجیه قدرت عمومی به سازوکار مهار و هدایت آن است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که تقویت ضمانت‌های پیشینی، الزام ادارات به رعایت حقوق رویه‌ای شهروندان و توسعه رویکرد اصول‌محور در رویه دیوان عدالت اداری، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای اعتماد عمومی و تحقق واقعی حاکمیت قانون در اداره عمومی باشد.

کلید واژه: اداره مطلوب، شفافیت اداری، حق اعتراض، پاسخگویی نهادی، کارایی دولت.

* نویسندهٔ مسئول: Mradi.email@yahoo.com

مقدمه

گسترش نقش دولت در جوامع معاصر، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و تنظیم‌گری، موجب شده است که تصمیمات اداری بخش قابل توجهی از حقوق، آزادی‌ها و منافع شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، حقوق اداری دیگر صرفاً دانشی فنی برای سامان‌دهی تشکیلات اداری تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تضمین حقوق شهروندی و مهار قدرت عمومی مطرح است.[۱و۲] تجربه تاریخی نشان داده است که تمرکز صرف بر مشروعیت شکلی تصمیمات اداری و نظارت‌های پسینی قضایی، به‌تنهایی قادر به جلوگیری از بروز بی‌عدالتی‌های اداری نیست و چه‌بسا در بسیاری از موارد، جبران خسارت‌های ناشی از تصمیم ناعادلانه پس از وقوع، ناکافی یا غیرممکن باشد.[۳]

در واکنش به این چالش، ادبیات حقوق عمومی معاصر به‌تدریج به سوی توسعه مفاهیمی حرکت کرده است که هدف آن‌ها تضمین عدالت در خود فرآیند تصمیم‌گیری اداری است. یکی از برجسته‌ترین این مفاهیم، «اداره مطلوب» است؛ مفهومی که ریشه در نظریه‌های عدالت رویه‌ای دارد و بر لزوم رعایت حقوق شکلی شهروندان پیش از اتخاذ تصمیم اداری تأکید می‌ورزد.[۴و۵] اداره مطلوب، در این معنا، ناظر بر مجموعه‌ای از تعهدات حقوقی برای مقامات اداری است که از جمله آن‌ها می‌توان به حق استماع، حق دسترسی به اطلاعات و پرونده اداری، الزام به بی‌طرفی، شفافیت، ارائه دلایل تصمیم و پاسخگویی اشاره کرد.[۶]

در حقوق اتحادیه اروپا، این مفهوم به‌طور صریح در اسناد بنیادین مورد شناسایی قرار گرفته و به‌عنوان حقی مستقل برای شهروندان تثبیت شده است.[۷] رویه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز با توسعه محتوای این حق، اداره مطلوب را به یکی از ارکان اساسی حاکمیت قانون در عرصه اداری بدل کرده است.[۸] در حقوق تطبیقی، اداره مطلوب نه‌تنها به‌عنوان معیار ارزیابی مشروعیت تصمیمات اداری، بلکه به‌عنوان مبنایی برای اصلاح ساختارها و رویه‌های اداری مورد توجه قرار گرفته است.[۹]

---

۱ Dicey, Albert, (1982), Introduction to the study of the law of the constitution, (10th ed.). London: Macmillan, p 45.

۲ Wade, Harold, and Forsyth, Christopher, (2014), Administrative Law (11th ed.), Oxford: Oxford University Press, p 102.

۳ Mashaw, Jerry, (1985), Bureaucratic Justice: Managing Social Security Disability Cases. New Haven, CT: Yale University Press, p 12.

۴ Mashaw, Jerry, (1985), Bureaucratic Justice: Managing Social Security Disability Cases. New Haven, CT: Yale University Press, p 14.

۵ Craig, Paul, (2012), Administrative law and government accountability, Oxford: Oxford University Press, p 76.

۶ Craig, Paul, and de Búrca, Gráinne, (2020), EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press, p 203.

۷ European Union, (2012), p 45.

۸ Craig, Paul, and de Búrca, Gráinne, (2020), EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press, p 210.

۹ Shapiro, Susan, (2011), Administrative justice and procedural rights in comparative perspective, International Journal of Public Law, 19(2), p 67.

در مقابل، بررسی نظام حقوقی ایران حاکی از آن است که علی‌رغم تصریح قانون اساسی بر اصولی همچون کرامت انسانی، منع تبعیض و حق دادخواهی، مفهوم اداره مطلوب هنوز به‌صورت منسجم و نظام‌مند وارد حقوق اداری نشده است. برخی از مؤلفه‌های این مفهوم را می‌توان به‌طور پراکنده در قوانین مختلف، از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مشاهده کرد.[۱و۲] با این حال، این مقررات غالباً فاقد پیوند نظری منسجم بوده و از ضمانت‌های اجرایی کافی برخوردار نیستند. افزون بر این، رویکرد غالب در رویه دیوان عدالت اداری، تمرکز بر کنترل قانونی بودن تصمیمات پس از صدور آن‌هاست؛ امری که نقش پیشگیرانه حقوق اداری را تضعیف کرده است.[۳]

مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا می‌توان با بازخوانی مفهوم اداره مطلوب و بازتعریف آن در چارچوب حقوق اداری ایران، زمینه گذار از عدالت اداریِ صرفاً پسینی به عدالت اداریِ پیشینی را فراهم ساخت؟ فرضیه مقاله بر این استوار است که اداره مطلوب، اگر به‌عنوان یک الگوی حقوقی الزام‌آور و نه صرفاً یک مفهوم توصیفی تلقی شود، می‌تواند نقش مؤثری در مهار صلاحدید اداری و ارتقای اعتماد عمومی به نظام اداری ایفا کند.[۴]

پیشینه پژوهش

رضایی‌زاده و عطریان (۱۳۹۳) در تحقیق خود تحت عنوان «اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا» به این نتیجه دست یافته‌اند که اصل ارائه دلایل تصمیمات اداری که بر مبنای مفاهیمی چون حاکمیت قانون، شفافیت و حق دفاع استوار شده، یکی از ارکان اداره خوب است. آنان نشان می‌دهند که در اتحادیه اروپا این اصل مطابق با ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین، ماده ۱۸ قانون رفتار خوب اداری، رویهٔ قضایی دادگاه‌های اروپایی و تعدادی از مصوبات کمیته وزیران شورای اروپا، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان به شمار می‌آید؛ لذا مقامات اداری در تصمیمات مؤثر بر حقوق و منافع اشخاص، مجبور به رعایت آن هستند. در نظام حقوقی ایران نیز، به صورت موردی در تعدادی از قوانین و مقررات این اصل به رسمیت شناخته شده و مقامات اداری موظف شده‌اند آن را رعایت کنند.

زارعی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود با عنوان «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، می‌رسد به این نتیجه که حکمرانی خوب و اداره مطلوب مبتنی‌اند بر مفاهیمی چون مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، حقوق بشر و حاکمیت قانون و بر پایهٔ قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، بستر اجرای آن، حکومتی مشارکت‌جو، شفاف و دموکراتیک است. به بیان دیگر، اداره خوب به‌عنوان شاخصی از حکمرانی خوب تلقی می‌شود که در آن اصول و ارزش‌های یادشده تحقق می‌یابند و این امر، مکانیسمی برای گسترش مردم‌سالاری و حاکمیت دموکراتیک است.

---

[۱] حبیبی، محمد، (۱۳۹۸)، نقش شفافیت و پاسخگویی در حقوق اداری ایران، مجله حقوق عمومی ایران، ۵(۲)، ص ۱۱۲.

[۲] شمس، رضا، (۱۴۰۰)، شفافیت و عدالت اداری: بازخوانی نقش دسترسی به اطلاعات، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۱(۳)، ص ۸۷.

[۳] قاضی‌زاده، رضا، (۱۳۹۷)، کنترل قضایی تصمیمات اداری در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله حقوق اداری، ۸(۱)، ص ۵۴.

[۴] Mashaw, Jerry, (1985), Bureaucratic Justice: Managing Social Security Disability Cases. New Haven, CT: Yale University Press, p 21.

۱. مفاهیم‌شناسی

۱-۱. ماهیت رفتار اداری خوب

رفتار اداری خوب یا اداره مطلوب به‌عنوان یکی از ارکان حقوق اداری و حکمرانی نوین، نه‌فقط به رعایت قوانین شکلی بلکه به تضمین عدالت رویه‌ای، پاسخگویی و احترام به حقوق شهروندی در فرایند تصمیم‌گیری‌های اداری توجه دارد.[۱] در ادبیات حقوق عمومی، اداره مطلوب اغلب در چارچوب حاکمیت قانون و عدالت رویه‌ای[۲] تحلیل می‌شود؛ به این معنا که شیوه‌های اتخاذ تصمیم‌های اداری باید عادلانه، منطقی و قابل پذیرش برای ذی‌نفعان باشد.[۳]

در حقوق اتحادیه اروپا، ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا[۴] به‌صراحت حق اداره خوب را به‌عنوان حق اساسی تضمین می‌کند: «هر شخص حق دارد که امور خود را توسط نهادها، دفاتر و سازمان‌های اتحادیه به‌طور بی‌طرفانه، منصفانه و در زمان معقول رسیدگی شود» و این شامل «حق استماع قبل از تصمیم منفی»، «حق دسترسی به پرونده» و «الزام اداره به ارائه دلایل تصمیم» می‌شود.[۵] این رویکرد، اداره را از یک رابطه صرفاً قدرت‌محور به رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد، مشارکت و پاسخگویی تبدیل می‌کند.[۶] در واقع، رفتار اداری خوب ترکیبی از قواعد آیینی و ارزش‌های حقوقی است که تعامل میان اداره و مردم را تحت ضوابطی عقلانی و منصفانه قرار داده و نسبت به حقوق و صیانت از آزادی‌های شهروندان مؤثر می‌باشد.[۷و۸]

در ایران نیز، نگاه به رفتار اداری خوب هرچند در متون قانونی به‌طور مستقیم نیامده، اما مؤلفه‌های آن قابلیت استنباط از اصول قانون اساسی و قوانین عادی را دارد. برای مثال، اصل ۳ قانون اساسی صراحتاً بر رفع تبعیض و ایجاد زمینه عادلانه برای همه تأکید دارد و اصل ۲۰ تصریح می‌کند که همه افراد ملت در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق برابر برخوردارند. این اصول ضمنی، نشان‌دهنده اهمیت عدالت و بی‌طرفی در اداره امور عمومی هستند.[۹] اما در عمل، نظام اداری ایران با چالش‌هایی مانند بوروکراسی پیچیده، نقص در شفافیت تصمیم‌گیری و ضعف سازوکارهای پیشینی پاسخگویی مواجه است.[۱۰]

---

[۱] Cheshmedzhieva, Margarita, (2014), The Rights of Good Administration, American International Journal of Contemporary research, vol. 4. No. 8, p 64.

[۲] procedural justice

[۳] Tyler, Tom, (2006), Why People Obey the Law, Princeton, NJ: Peinceton University Press, pp 82-85.

[۴] Charter of Fundamental Rights of the European Union

[۵] Charter of Fundamental Rights of the European Union, (2012), Art 41.

[۶] خسروی، حسن، حسینی، محمد جواد، (۱۳۹۹)، سرآغازی بر حقوق بشر اداری، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال ۲، شماره ۵، ص ۲۸.

[۷] Vala Kristjans-dottir, Margret, (2013), Good Administration as a Fundamental Right: Icelandic Review of Politics and Administration, Vol. 9, Issue 1, p 238.

[۸] عطریان، فرامرز، (۱۳۹۶)، حقوق اداری تطبیقی، اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوی ایران و اتحادیه اروپا، تهران: نشر میزان، ص ۲.

[۹] سلمانی، ذبیح‌الله، شریفی، ارکان و فرکیش، هانه، (۱۴۰۳)، بررسی چالش‌های اجرای حقوق شهروندی در نظام اداری ایران مبتنی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب، مطالعات حقوق عمومی، ۵۴(۳)، صص ۱۴۲۰-۱۴۲۲.

[۱۰] حسینی، علی، (۱۳۹۸)، عدالت اداری و حقوق شهروندی. تهران: نشر میزان، صص ۴۵-۴۸.

۱-۲. تحلیل مفهوم اداره مطلوب

اداره مطلوب در ادبیات حقوق اداری و حکمرانی، مفهومی گسترده‌تر از قواعد آیینی صرف است و شامل الزامات حقوقی و ساختاری می‌شود که به مشخصه‌های عدالت، پاسخگویی و مشارکت اجتماعی می‌پردازد. این الزام‌ها به‌صورت هم‌زمان بهبود کیفیت تصمیمات اداری و حفظ حقوق شهروندی را دنبال می‌کنند.[۱و۲]

در نظام اتحادیه اروپا، حق اداره مطلوب هم به‌عنوان اصل کلی حقوق اداری و هم به‌عنوان حق بنیادین مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق تحلیل علمی، این حق نه‌فقط به نحوه تصمیم‌گیری در نهادهای اتحادیه مربوط می‌شود، بلکه به حقوق ذی‌نفعان در دسترسی به اطلاعات، مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و دریافت دلایل تصمیم اختصاص دارد.[۳و۴] در همین راستا، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا[۵] حق بر اداره مطلوب را یکی از اصول کلی حقوقی دانسته است. به باور این دیوان، این اصل به‌صورت مستقیم حقی برای اشخاص ایجاد نمی‌کند؛ مگر در مواردی که متضمن حقوق مشخصی همچون حق دسترسی به پرونده، حق استماع و حق رسیدگی دربازهٔ زمانی مقرر باشد.[۶]

در ایران، اگرچه برخی اصول حکم می‌کند که تصمیمات اداری باید با رعایت حقوق شهروندی اتخاذ شوند، اما قوت اجرایی و انسجام مفهومی آن‌ها کمتر است. به‌طور مثال، مطالعات حکمرانی خوب در ایران بر ضرورت شفافیت، پاسخگویی و مشارکت اجتماعی تأکید دارند؛ اما اداره مطلوب به‌عنوان یک سازوکار فرآیندی در قوانین اداری مطرح نشده است و میان اصول پراکنده در قوانین عادی پیوند نظام‌مند وجود ندارد. بنابراین، تحلیل مفهوم اداره مطلوب نشان می‌دهد که این مفهوم نیازمند تبدیل از ایده‌ای نظری به الگوی حقوقی نهادینه‌شده است تا بتواند در نظام‌های حقوقی بازتاب عملی و متقنی پیدا کند.

از این منظر که اداره مطلوب در پی ارائه خدمات کارآمد از سوی نهادهای اداری به شهروندان از مسیر حمایت از منافع عمومی جامعه و تحقق حقوق شهروندی است. از آن‌جا که اداره مطلوب تأثیر مستقیمی بر توسعه‌ی استانداردهای زندگی شهروندان دارد، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و حفظ اعتماد عمومی نسبت به نهادهای اداری ایفا می‌کند.[۷] بر مبنای این حق، شهروندان از حق نظارت و کنترل بر قدرت و مدیریت دولت برخوردارند. اداره مطلوب باید بر اصولی استوار باشد که مبنای فعالیت نهادهای اداری قرار گیرد و در عین حال، حقوق و منافع شهروندان را در مواجهه با اداره تضمین کند. تحقق این مفهوم مستلزم احترام دولت به حقوق بشر، اصول دموکراسی و حاکمیت قانون می‌باشد.[۸] حق بر اداره مطلوب بر پایهٔ اصل حاکمیت قانون بنا شده و بدون رعایت آن، امکان تحقق اداره مطلوب وجود نخواهد داشت. این ایده در برابر مفهوم صلاحدید اداری شکل گرفته و بر پایهٔ احترام به حقوق شهروندی، شفافیت و

---

۱ Behn, Robert, (2001), Rethinking Democratic Accountability, Washington, DC: Brookings Institution Press, pp 14-17.

۲ Streho, Imola, (2014), Good Administration in the European Union Moving toward a Culture of Service for the European Institutions, Revue de 1 OFCE Debates and policies, No. 134, p 72.

۳ Craig, Paul, and de Búrca, Gráinne, (2020), EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press, pp 1118-1120.

۴ Janderova, Jana, (2024), Right to good administration in the EU, In Proceeding of the 11th SWS International Scientific Conference on Arts and Humanities, University pf Pardubice, Czech Republic, pp 259-261.

۵ the Court of Justice of the European Union

۶ Cuculoska, Irena, (2018), The Scope of Application of the Charter's Right to Good Administration of the European Union, Journal of Liberty and International Affairs, Vol. 3, p 25.

۷ Batalli, Mirlina and Artan Fejullahu, (2018), Principles of Good Administration under the European, Code of Good Administrative Behavior, Pecs Journal of International and European Law, No. 1, p 27.

۸ جمشیدی، علیرضا، پتفت، آرین، (۱۳۹۵)، حقوق شهروندی در پرتو آیین‌های نوین اداری، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۶، شماره ۲۱، ص ۲۹.

مسئولیت‌پذیری در مؤسسات عمومی استوار است. رعایت حق بر اداره مطلوب موجب تقویت حاکمیت قانون و کاهش احتمال استفاده‌ی خودسرانه از صلاحدید اداری می‌شود.

با توجه به مبانی و کارکردهای بیان‌شده، اداره مطلوب هنگامی معنا و اثر واقعی خود را خواهد یافت که حاکمیت قانون و حقوق شهروندی به‌طور واقعی در ساختار اداری مستقر شوند و صلاحدید اداری از قالب خودسرانه خارج گردد. در غیر این صورت، اصولی چون شفافیت، مسئولیت‌پذیری و اعتماد عمومی صرفاً در سطح نظری باقی می‌مانند و حق بر اداره مطلوب از کارکرد حمایتی خود فاصله می‌گیرد.

۱-۳. ارتباط بین اداره مطلوب و مدیریت مؤثر

رویکردهای نوین در مدیریت عمومی، مانند حکمرانی نوین،[۱] نشان می‌دهند که اداره مطلوب و مدیریت مؤثر به‌عنوان دو رکن مکمل یکدیگر عمل می‌کنند.[۲] مدیریت مؤثر به بهینه‌سازی منابع، کارایی اجرایی و پاسخگویی به ضرورت‌های اجتماعی می‌پردازد، در حالی که اداره مطلوب تضمین می‌کند که این مدیریت در چارچوب عدالت، شفافیت و احترام به حقوق شهروندی انجام شود.

به‌عبارت دیگر، مدیریت مؤثر بدون عدالت رویه‌ای ناقص است؛ زیرا ممکن است منجر به تصمیمات سریع و کارآمد شود، اما عدالت و مشروعیت فرایندها را نادیده بگیرد. بالعکس، عدالت رویه‌ای بدون ساختارهای مدیریتی کارآمد نیز منجر به فرآیندهای طولانی، غیرقابل اجرا و ناکارآمد می‌شود. بسیاری از پژوهش‌ها بر ترکیب این دو با هم تأکید دارند تا هم عدالت و هم کارایی به‌طور هم‌زمان تحقق یابند

در زمینه ایران، فقدان سازوکارهای مشارکت شهروندان و عدم ادغام عدالت فرآیندی در ساختارهای اجرایی باعث شده که تصمیمات اداری اغلب با نارضایتی عمومی و افزایش شکایات به دیوان عدالت اداری همراه باشند. این نشان‌دهنده نیاز به بازنگری بنیادین در رویکردهای مدیریتی و اداری است تا عدالت رویه‌ای و کارایی به‌طور هم‌زمان تأمین شوند.

۱-۳-۱. اصول اداره مطلوب

همان‌گونه که قضات در دادرسی‌ها اصولی چون بی‌طرفی، استماع، علنی بودن و سایر قواعد دادرسی عادلانه را رعایت می‌کنند،[۳] مقامات و نظام‌های اداری نیز باید در فرآیند اعمال اداری، خود را مقید و پایبند به اصولی بدانند که بر اداره امور عمومی حاکم است. این اصول مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها هستند که در روابط نظام اداری با شهروندان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و از تنوع و تکثر قابل توجهی برخوردارند.[۴و۵و۶] تبیین این اصول از آن جهت ضرورت دارد که مبانی و اهداف اصلی نظام اداری در حاشیه قرار نگیرند و فروع جایگزین اصول نشوند. بر همین اساس، در این بخش صرفاً به خطوط کلی و پایه‌ای برخی از مهم‌ترین اصول نظام اداری پرداخته می‌شود؛ اصولی که نمود آن‌ها در قوانین و مقررات متعدد اداری قابل مشاهده است.

---

[۱] New Public Governance

[۲] Osborne, Stephen, (2010), The New Public Governance? Emerging Perspectives on the Theory and practice of public governance, Routledge, pp 102-105.

[۳] موسی‌زاده، ابراهیم، (۱۳۹۷)، مؤلفه‌ها و اصول حقوقی حاکم بر «نظام اداری صحیح»، سال ۷، شماره ۲، ص ۱۰۵.

[۴] Hawke, Neil, (1998), Introduction to Administrative Law, London: Cavendish pub, pp 43-48.

[۵] هداوند، مهدی، (۱۳۸۸)، اصول حقوق اداری، تهران: خرسندی، ص ۸۴.

[۶] رنجبر، احمد، (۱۳۹۵)، عدالت اداری، تهران: بنیاد حقوق میزان، ص ۱۲۶.

۱-۳-۱-۱. اصل عقلانیت

اصل عقلانیت ایجاب می‌کند که تصمیمات اداری بر پایه تحلیل‌های مستدل، داده‌های قابل اعتماد و معیارهای قانونی اتخاذ شوند و نه صلاحدید شخصی.[۱] این اصل موجب پیش‌بینی‌پذیری، عدالت و پیوستگی در تصمیم‌گیری‌های اداری می‌شود. همچنین اهمیت عقل و رعایت اصول عقلانی در همه نظام‌ها امری پذیرفته‌شده است؛ چنان‌که آمده است: «بالعدل قامت السموات و الارض».[۲و۳]

۱-۳-۱-۲. اصل نظم و انضباط

نظم و انضباط فرآیندهای اداری به ایجاد چارچوب‌های روشن و کارآمد کمک می‌کند که موجب کاهش خطا، افزایش هماهنگی و تقویت پاسخگویی می‌شود. فقدان نظم اداری معمولاً به سردرگمی، تضاد در تصمیمات و ناکارآمدی منجر می‌گردد، که از جمله مواردی است که مطالعات حکمرانی خوب به آن اشاره دارند.

۱-۳-۱-۳. اصل تخصص و تعهد (شایستگی)

به‌کارگیری متخصصان و مدیران متعهد و آگاه به قوانین و مقررات اداری، شرط ضروری اجرای عدالت و بهبود عملکرد اداری است. ادبیات مدیریت عمومی نشان داده است سازمان‌هایی که شایسته‌سالاری را نهادینه کرده‌اند، از کیفیت خدمات بالاتری برخوردارند و کمتر دچار خطاهای اداری می‌شوند.[۴]

۱-۳-۲. مسئولیت‌پذیری و حق اعتراض در اداره مطلوب

مسئولیت‌پذیری یعنی مقامات اداری باید در برابر تصمیمات خود پاسخ‌گو باشند و هر تصمیم باید قابل توجیه، روشن و قابل بررسی باشد. حق اعتراض، ابزار عملی برای اعمال این پاسخگویی است و به شهروندان امکان می‌دهد تصمیمات اداری را مورد بازبینی قرار دهند. در ایران، هرچند دیوان عدالت اداری به‌عنوان مرجع اعتراض کار می‌کند، اما امکانات اعتراض درون‌اداری قبل از رسیدگی قضایی کم‌رنگ است، که خود محدودیت‌های عدالت رویه‌ای را تشدید می‌کند.

۱-۳-۳. اثر بخشی و کارایی دولت

اثر بخشی[۵] و کارایی[۶] دو مولفه کلیدی در سنجش کیفیت عملکرد دولت در نظام‌های مدرن اداری هستند. در مطالعات اداره عمومی، کارایی معمولاً به استفاده بهینه از منابع برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده اشاره دارد، در حالی که اثر بخشی به توان تحقق اهداف و پاسخگویی به نیازهای جامعه می‌پردازد.[۷] این دو مفهوم نه‌تنها معیارهای عملکرد هستند، بلکه به‌طور مستقیم با اصول اداره مطلوب پیوند دارند؛ زیرا حکمرانی خوب بدون کارایی و اثر بخشی نمی‌تواند تضمین‌کننده عدالت، پاسخگویی و اعتماد عمومی باشد. هنگامی که نهادهای عمومی به اصول شفافیت، پاسخگویی و مشارکت شهروندان پایبند باشند، کارایی و اثر بخشی آن‌ها در ارائه خدمات عمومی به‌طور چشمگیری افزایش

---

۱ Rothstein, Bo, (2011), The Quality of Government: Corruption, Social Trust, and Inequality in International Perspective, University od Chicago Press, pp 39-41.

۲ احسائی، ابن‌ابی، محمد، (۱۳۶۳)، عوالی النتالی، قم: مؤسسه سیدالشهداء، ص ۱۰۳.

۳ راغی اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹)، معجم مفردات الفاظ قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۳۲۵.

۴ Boyne, George, (2003), Sources of public service improvement: A Critical and Research agenda, Journal pf Public Administration Research and Theory, 13(3), pp 372-375.

۵ effectiveness

۶ efficiency

۷ Centre for Governance, ۲۰۲۵.

می‌یابد، چرا که کاهش بوروکراسی نامنظم و افزایش مشارکت اجتماعی منجر به تصمیم‌گیری‌های بهتر و سریع‌تر می‌شود.[۱]

در ایران نیز، مطالعات پژوهشی نشان می‌دهد که یکی از مشکلات اساسی در حوزه اثر بخشی و کارایی دولت، ضعف ارزیابی عملکرد و بازخور سازمانی است؛ به‌گونه‌ای که نبود سازوکارهای دقیق سنجش کیفیت تصمیم‌گیری و بازخور از ذی‌نفعان موجب می‌شود خطاهای اداری تکرار شوند و هزینه‌های اصلاحی افزایش یابد. بر این اساس، برای تحقق واقعی اداره مطلوب، دولت‌ها از جمله نظام اداری ایران باید سازوکارهای مدیریتی خود را نه‌فقط با تاکید بر رعایت اصول عدالت اداری، بلکه با معیارهای قابل اندازه‌گیری برای اثر بخشی و کارایی نیز تنظیم کنند، زیرا این دو بُعد، موتور حرکت کیفیت در خدمات عمومی و تحقق اهداف توسعه‌ای هستند.

۱-۳-۴. حاکمیت قانون و اجرای عدالت

حاکمیت قانون[۲] یکی از اصول بنیادین حقوق اداری و اداره مطلوب است. این اصل به معنای آن است که همه اقدامات و تصمیمات مقامات عمومی باید در چارچوب قوانین روشن، قابل پیش‌بینی و منطبق با عدالت فرآیندی انجام شوند.[۳] هنگامی که قانون به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های اداری پذیرفته می‌شود، زمینه برای پاسخگویی، شفافیت و عدالت فراهم می‌گردد.

در سطوح بین‌المللی، ارتباط میان حاکمیت قانون، کیفیت حکمرانی و عدالت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که ضعف حاکمیت قانون نه‌تنها موجب افزایش فساد می‌شود، بلکه هزینه‌های عمومی و عدم اعتماد شهروندان را نیز افزایش می‌دهد.[۴]

در ایران، اصول متعدد قانون اساسی مانند اصل ۳ (رفع تبعیض ناروا)،[۵] اصل ۱۹ (برابری حقوقی) و اصل ۲۰ (حمایت قانون از حقوق شهروندی) نمایانگر تلاش قانون‌گذار برای تضمین عدالت در فرآیندهای اداری هستند. با این حال، ضعف در اجرا، نبود نظارت مؤثر و محدودیت در اعمال عدالت فرآیندی موجب شده است که حاکمیت قانون در عمل کمتر حمایتگر عدالت بهتر باشد. تجربه‌های موجود حاکی از آن است که بدون تقویت ضمانت‌های اجرایی و شفافیت قانونی، دستیابی به عدالت اداری حقیقی بسیار دشوار است.

مع‌الوصف، نظام حقوقی ایران، اگرچه عنوان حق بر اداره مطلوب به‌طور مستقیم به کار نرفته، اما مضمون آن در قالب اصول و مواد مختلف حضور دارد.[۶] در قوانین اساسی و عادی، گاه به صورت حقوق مثبت شهروندان و گاه از طریق تعیین تخلفات اداری، تلاش شده تا زمینهٔ تحقق اداره‌ای سالم و پاسخگو فراهم گردد. با وجود این، تدقیق در مباحث یادشده نشان می‌دهد که عدالت اداری در معنای پیشینی آن هنوز شکل نگرفته است. فقدان سازوکارهای مؤثر در بخش ماهوی و آیینی موجب شده تا مقامات عمومی در برخی موارد، قواعد و اصول حقوق اداری را نادیده گرفته و دیدگاه‌های شخصی را جایگزین حاکمیت قانون کنند. حجم بالای پرونده‌های ارجاعی به دیوان عدالت اداری به دلیل

---

[۱] Sari, Ade Risna, (2025), The Impact of good governance on the quality of public management decision making, Journal of Contemporary Administration and Management, pp 4-7.

[۲] rule of law

[۳] Raz, Joseph, (1979), The authority of law: Essays on law and morality, Oxford University Press, pp 202-204.

[۴] Ma, Yongqiang, Ma, Baobin, Yu, Lichun, Ma, Mingyang, and Dong Yibing, Perceived social fairness and trust in government serially mediate the effect of governance quality on subjective well-being, Nature Publishing Group, pp 1-2.

[۵] بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی: « رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی».

[۶] کاظمی، آرش، برزگر، عبدالرضا، حسینی صدرآبادی، ایرج، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر عالت اداری در تحقق دولت مطلوب در نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۲، شماره ۴۹، ص ۵۵.

نقض تصمیمات اداری، گواهی بر این واقعیت است که اجرای اصول اداره خوب در عمل با کاستی روبه‌روست. بنابراین، برای تحقق واقعی اداره خوب در ایران، اجرای کامل و دقیق قوانین موجود و اصلاح نواقص آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر است تا اعتماد عمومی به نظام اداری بازسازی گردد و زمینه برای شکل‌گیری عدالت اداری پیشینی فراهم آید.[۱]

۱-۳-۵. مدیریت فساد و تأثیر آن بر کیفیت زندگی

تجربه‌های تاریخی و مطالعات علمی به طور مکرر ثابت کرده‌اند که تمرکز قدرت در ید واحد، بدون وجود مکانیزم‌های نظارتی مناسب، زمینه‌ساز فساد اداری، سیاسی و اقتصادی می‌شود. بنابراین، ایجاد سازوکارهای شفاف و پاسخ‌گو، از جمله تفکیک قوا، نظارت نهادهای مستقل و مشارکت فعال عموم، از ارکان اساسی نظام‌های حکمرانی سالم و پایدار محسوب می‌شود.[۲] حقوق اداری از طریق مقررات استخدامی، بازرسی‌های دولتی و پیگیری تخلفات اداری، با فساد مقابله می‌کند.[۳] یکی از مهم‌ترین نقش‌های حقوق اداری در پیشگیری از جرایم است. بسیاری از مقررات اداری به‌منظور جلوگیری از فساد و تخلفات طراحی شده‌اند. در همین راستا مکانیزم‌های پیشگیری از جرایم در حقوق اداری به شرح آتی می‌تواند مطمع نظر باشد:[۴]

- شفاف‌سازی فرآیندهای اداری: کاهش امکان رانت‌خواری و فساد
- ایجاد نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات
- اجرای دقیق قوانین انضباطی برای کارمندان دولتی
- آموزش و فرهنگ‌سازی در حوره سلامت اداری و پیشگیری از تخلفات

مع‌الوصف، هرچند حقوق اداری از طریق سازوکارهایی چون شفاف‌سازی فرآیندها، ایجاد نهادهای نظارتی و اجرای قوانین انضباطی می‌کوشد بستر سلامت اداری را فراهم آورد، اما واقعیت آن است که وجود مقررات به تنهایی کفایت نمی‌کند. در شرایط کنونی ایران، بخش قابل توجهی از این مکانیزم‌ها در حد تدوین قانونی یا اجرای شکلی باقی مانده‌اند و هنوز به مرحله‌ی نهادینه‌سازی و نظارت مؤثر نرسیده‌اند. در این راستا، تقویت نهادهای دموکراتیک و تضمین حاکمیت قانون، به عنوان ابزارهای کلیدی، می‌تواند به کنترل قدرت و کاهش فساد کمک شایانی کند. این رویکرد نه تنها از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری می‌کند، بلکه به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و شفاف نیز یاری می‌رساند.[۵]

۲. اجزای کلیدی اداره مطلوب

۲-۱. اصول قانونی در تصمیم‌گیری اداره

هرگاه منافع فردی در معرض تهدید قرار گیرد و آن منفعت از چنان اهمیت و جدیتی برخوردار باشد که عدالت رویه‌ای و انصاف اقتضا کند، مقام اداری موظف است دلایل و مستندات تصمیم خود را به‌طور روشن و مستدل بیان نماید. بدین معنا که دلایل باید صحیح، قابل فهم و کافی باشند؛ زیرا اگر مبانی تصمیم مبهم یا غیرقابل درک باشند، در واقع هیچ دلیلی ارائه نشده است. البته سازمان‌های اداری ملزم به تبعیت از قواعد ادله اثبات دعوی در محاکم قضایی

---

[۱] کاظمی، آرش، برزگر، عبدالرضا، حسینی صدرآبادی، ایرج، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر عالت اداری در تحقق دولت مطلوب در نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۲، شماره ۴۹، ص ۲۲۹.

۲ مرادی، صادق، ابول‌پور، عسل، (۱۴۰۴)، شناخت حقوق اساسی، تهران: انتشارات آسنا، ص ۶۷.

[۳] مرادی، صادق، حسینی، پریا، (۱۴۰۴)، شناخت حقوق اداری، تهران: انتشارات آسنا، ص ۶۵.

[۴] مرادی، صادق، حسینی، پریا، (۱۴۰۴)، شناخت حقوق اداری، تهران: انتشارات آسنا، ص ۶۲.

۵ مرادی، صادق، ابول‌پور، عسل، (۱۴۰۴)، شناخت حقوق اساسی، تهران: انتشارات آسنا، ص ۶۷.

نیستند، اما هدف از الزام به بیان دلایل در حقوق اداری، آشکارسازی مبانی و اصولی است که تصمیم بر اساس آن اتخاذ شده و امکان ارزیابی آن بر مبنای معیارهای حقوقی و اخلاقی را فراهم می‌سازد.[۱] به بیان دیگر، این اصل پرده از طرح ذهنی مأمور عمومی برمی‌دارد و نشان می‌دهد که تصمیم تا چه حد بر پایه عقلانیت و مصلحت عمومی شکل گرفته است. از این رو، تصمیم اداری باید مستدل، منطقی و در فرآیندی شفاف، علنی و مشارکت‌پذیر اتخاذ گردد تا اصول رفتار منصفانه در اداره تحقق یابد.

در نظام حقوقی ایران، اگرچه قانون اساسی در اصل ۱۶۶ ارائه دلایل را برای احکام دادگاه‌ها الزامی دانسته است، اما این الزام به تصمیمات اداری تسری نیافته است. تنها در مواردی محدود و پراکنده مانند ماده ۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره ۱ ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بر لزوم مستند و مستدل بودن تصمیمات اداری تأکید شده است؛ آن هم بیشتر با هدف تسهیل فعالیت‌های اقتصادی تا تضمین انصاف اداری. با این حال، دیوان عدالت اداری در برخی آراء خود بر اهمیت مستند بودن و مستدل بودن تصمیمات تأکید کرده و این اصل را از جمله اصول بدیهی دادرسی دانسته است. النهایه، نظام حقوقی ایران، برخلاف حوزه قضایی که الزام به بیان دلایل تصمیم به‌خوبی در آن نهادینه شده، در عرصه تصمیم‌گیری اداری هنوز فاقد قاعده‌ای عام و الزام‌آور است. این خلأ نه‌تنها شفافیت اداری را تضعیف کرده بلکه موجب سستی در اعتماد عمومی نسبت به دستگاه اداری می‌شود. بنابراین، بازنگری در قوانین و رویه‌ها برای گسترش الزام به ارائه دلایل، نه یک تجمل حقوقی بلکه ضرورتی بنیادین برای تحقق اداره‌ای پاسخ‌گو و عادلانه در شرایط کنونی کشور است.

۲-۲. تضمین عدالت و رفع تبعیض در اداره

عدالت اداری، اصل اساسی اداره مطلوب است که تضمین می‌کند تصمیمات و رفتار نهادهای عمومی با معیارهای حقوقی و اجتماعی سازگار باشند. این مفهوم فراتر از رعایت قوانین است و به ایجاد فرآیندهای منصفانه، شفاف و پاسخ‌گو برای شهروندان اشاره دارد.[۲و۳] عدالت اداری بر این اصل استوار است که هر شهروند، فارغ از جایگاه اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی، در مواجهه با نهادهای دولتی از حقوق یکسان برخوردار باشد و هیچ تبعیض ناروا اعمال نشود.[۴] شفافیت در تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی دقیق به ذی‌نفعان، از دیگر مؤلفه‌های کلیدی است. این رویه سبب می‌شود شهروندان از دلایل و مبانی تصمیمات اداری آگاه شوند و امکان نقد و بازبینی تصمیم‌ها فراهم گردد.[۵و۶] رفع تبعیض و تضمین فرصت‌های برابر نیز جزو اصول بنیادین عدالت اداری است. سیاست‌ها و رویه‌های اداری باید به گونه‌ای طراحی

---

[۱] زارعی، محمد حسین، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، نشریه مدیریت دولتی، شماره ۳۸، ص ۳۵.

[۲] Tyler, Tom, (2006), Why People Obey the Law, Princeton, NJ: Peinceton University Press, p 45.

[۳] Rothstein, Bo, (2011), The Quality of Government: Corruption, Social Trust, and Inequality in International Perspective. Chicago: University of Chicago Press, p 118.

[۴] Boyne, George, (2003), Sources of public service improvement: A critical review and research agenda, Journal of Public Administration Research and Theory, 13(3), pp 372-374.

[۵] Osborne, Steph, (2010), The New Public Governance? Emerging Perspectives on the Theory and Practice of Public Governance, Routledge, pp 102-104.

[۶] Janderova, Hana, (2024), Transparency and Equality in Administrative Justice: European Perspectives, European Public Law, 30(1), p 62.

شوند که هیچ فرد یا گروهی به دلیل قومیت، جنسیت، مذهب یا وضعیت اقتصادی از حقوق خود محروم نشود.[۱و۲] تجربه تطبیقی نشان می‌دهد کشورهایی که نظام اداری آن‌ها تبعیض را کنترل کرده است، علاوه بر افزایش رضایت عمومی، از میزان فساد اداری و نارضایتی اجتماعی کمتری برخوردارند.[۳] اجرای موفق عدالت اداری، مستلزم هم‌راستایی قوانین، آموزش کارگزاران و ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل است تا فرآیندهای تصمیم‌گیری عادلانه، شفاف و پاسخ‌گو باشند.[۴و۵]

۲-۳. امکان ارائه دفاعیات توسط افراد

حق ارائه دفاعیات و اظهار نظر پیش از اتخاذ تصمیم یکی از ارکان بنیادین اداره مطلوب است.[۶] بدون این امکان، فرآیندهای اداری به سمت تصمیم‌گیری یک‌طرفه و غیرشفاف سوق می‌یابند.

در نظام حقوقی ایران، این حق به صورت محدود و مشروط در قوانین مختلف دیده شده است. برای مثال، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون مالیات‌های مستقیم، امکان اعتراض و ارائه دفاعیات را فراهم کرده‌اند، اما سازوکارهای پیشگیرانه و حمایت از حقوق شهروندان در مرحله تصمیم‌گیری اغلب ناکافی است.

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهای اروپایی، حق استماع[۷] به عنوان بخشی از حق اداره مطلوب تضمین شده است و شامل حق دسترسی به اسناد، فرصت بیان نظر و دریافت پاسخ مستدل است.[۸] این سازوکارها، امکان اصلاح تصمیمات نادرست پیش از اثرگذاری بر حقوق افراد را فراهم می‌کنند و از فساد و تصمیمات خودسرانه جلوگیری می‌کنند.

با آنکه حق دفاع از ارکان بنیادین عدالت اداری و شرط تحقق اصل حاکمیت قانون است، اما در نظام حقوقی ایران هنوز به عنوان یک حق عام و الزام‌آور در تصمیمات اداری نهادینه نشده است. تداوم سکوت قانون‌گذار و رویکرد محافظه‌کارانه‌ی دیوان عدالت اداری، زمینه‌ی نقض این حق را فراهم ساخته است. بنابراین، ضروری است تا از رهگذر تفسیر موسّع اصول قانون اساسی و تدوین مقررات خاص، حق دفاع در همه‌ی مراحل تصمیم‌گیری اداری تضمین گردد تا از خودسری اداری و تضعیف اعتماد عمومی جلوگیری شود.

۲-۴. تشریح مبانی تصمیمات اداری

اصول لزوم ارائه مبانی تصمیم بر چند بنیاد اساسی استوار بوده و هر یک ناظر بر جنبه‌ای از مشروعیت و شفافیت می‌باشد.

---

۱ Rothstein, Bo, (2011), The Quality of Government: Corruption, Social Trust, and Inequality in International Perspective. Chicago: University of Chicago Press, p 112.

۲ Tyler, Tom, (2006), Why People Obey the Law, Princeton, NJ: Peinceton University Press, pp 50-51.

۳ Boyne, George, (2003), Sources of public service improvement: A critical review and research agenda, Journal of Public Administration Research and Theory, 13(3), pp 377-379.

۴ Craig, Paul, and de Búrca, Grainne, (2020), EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press, pp 312–314.

۵ European Union, (2012), Art 41.

۶ European Union, (2012), p 24.

۷ right to be heard

۸ Craig, Paul, & de Búrca, Gráinne, (2020). EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press, p 318.

- اصل قانونی بودن: ریشه‌ی اصل ارائه دلایل تصمیمات اداری در اصل بنیادین حاکمیت قانون نهفته است؛ اصلی که تمامی اقدامات و تصمیمات مقامات عمومی را در چهارچوب ضوابط قانونی محدود می‌سازد. بر این اساس، مقام اداری موظف است تصمیم خود را مستند و مدلل به قانون اعلام کند تا هم میزان انطباق تصمیم با صلاحیت‌های قانونی مشخص شود و هم اطمینان حاصل گردد که اقدام مزبور در جهت منافع عمومی انجام گرفته است. اهمیت این الزام در حوزه‌ی صلاحیت‌های تخییری دوچندان است، زیرا هرچند چنین تصمیماتی ممکن است با ظاهر قانون مطابقت داشته باشند، اما ممکن است با روح و هدف قانون‌گذار، یعنی تأمین منافع عمومی، در تعارض باشند. در این حالت تنها از طریق بررسی دلایل و استدلال‌های درج‌شده در تصمیم است که می‌توان میزان مشروعیت و صحت اقدام اداری را سنجید.[۱] علاوه بر این، ارائه دلایل، امکان نظارت قضایی مؤثر را فراهم می‌سازد؛ چرا که قاضی اداری از رهگذر استدلال‌های ارائه‌شده می‌تواند مشروعیت تصمیم را ارزیابی کند[۲] بی‌آنکه ناگزیر به ورود در جزئیات فنی و اجرایی امور اداری گردد. بدین‌ترتیب، این اصل نه تنها موجب تقویت نظارت قضایی بر تصمیمات اداری می‌شود، بلکه مرز تفکیک صلاحیت‌های اداری و قضایی را نیز حفظ می‌کند.
- اصل شفافیت: شفافیت، به‌عنوان یکی از ارکان حکمرانی مطلوب[۳] و از لوازم تحقق اداره خوب، مستلزم آن است که تمامی تصمیمات اداری با ذکر دلایل و مستندات همراه باشند. مطابق ماده ۱۰ دستورالعمل شورای وزیران در خصوص اداره خوب، شفافیت ابزاری برای پاسخگویی، جلوگیری از خودسری و ارتقای اعتماد عمومی محسوب می‌شود. ارائه دلایل تصمیمات، زمینهٔ افشای ضعف‌ها، خطاها و غفلت‌های احتمالی تصمیم‌گیرنده را فراهم کرده و امکان نظارت مؤثر مردمی و اداری را میسر می‌سازد.[۴]

بر پایهٔ این مبنا، دامنه‌ی الزام به بیان دلایل فراتر از تصمیمات زیان‌بار برای مخاطب است. در حقیقت، برخلاف رویکرد محدودِ مبتنی بر حق دفاع که تنها در تصمیمات منفی الزام به استدلال را ضروری می‌داند، اصل شفافیت اقتضا دارد که کلیهٔ تصمیمات اداری، به‌ویژه آن‌هایی که بر مبنای صلاحیت اختیاری اتخاذ می‌شوند، باید مستدل و مستند باشند. تنها در این صورت است که اداره می‌تواند از مشروعیت، پاسخگویی و اعتماد عمومی برخوردار شود.

۲-۵. تصمیم‌گیری اداره در بازه زمانی مناسب

اصل تصمیم‌گیری از معیارهای مهم کارآمدی و اداره مطلوب است و به موجب آن، مقامات اداری باید در مدت زمانی مناسب و بدون تأخیر غیرموجه درباره درخواست‌ها تصمیم بگیرند.[۵] در کد اروپایی رفتار خوب اداری (ماده ۱۷) نیز تأکید شده که تصمیمات باید حداکثر ظرف دو ماه اتخاذ شوند. ایران، اگرچه این اصل به‌صراحت شناسایی نشده، اما به‌طور ضمنی در مقرراتی مانند ماده ۹۰ قانون مدیریت خدمات کشوری (لزوم سرعت در انجام وظایف)، بند ۳ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری (تأخیر در انجام وظیفه به‌عنوان تخلف) و ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی آن (تأکید بر تسریع در رسیدگی) مورد توجه قرار گرفته است.

---

[۱] Mashaw, Louis Jerry, (2007), Reasoned Administration: The European Union, the United States and the Project of Democratic Governance, The George Washington Law Review, Vol. 76, p 113.

[۲] رضایی‌زاده، محمد جواد، عطریان، فرامرز، (۱۳۹۳)، اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، سال ۳، شماره ۱۰، ص ۹۵.

[۳] نقیبی‌مفرد، حسام، (۱۳۸۹)، صلاحیت تخییری، تهران: معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ص ۱۲۳.

[۴] رضایی‌زاده، محمد جواد، عطریان، فرامرز، (۱۳۹۳)، اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، سال ۳، شماره ۱۰، ص ۹۶.

[۵] هداوند، مهدی، مشهدی، علی، (۱۳۸۹)، اصول حقوق اداری، تهران: انتشارات خرسندی، ص ۱۸۸.

با این حال، نبود مهلت‌های صریح در اغلب مقررات اداری، موجب اطاله رسیدگی و تضییع حقوق شهروندان می‌شود. تنها در موارد محدودی مانند ماده ۸ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مهلت ده‌روزه برای پاسخگویی پیش‌بینی شده است.

۲-۶. اطلاع‌رسانی شفاف تصمیمات اداری به اشخاص

ابلاغ تصمیمات اداری از مهم‌ترین لوازم تحقق عدالت اداری و تضمین حق دفاع شهروندان است. به موجب این اصل، پس از اتخاذ تصمیم از سوی مقام اداری، نهاد مربوطه مکلف است مفاد تصمیم را به صورت روشن، مستند و کتبی به اطلاع مخاطب یا ذی‌نفع برساند. ابلاغ تصمیم شرط اساسی امکان اعتراض، تجدیدنظر و نظارت قضایی بر تصمیمات اداری است و بدون آن، حقوق اشخاص در برابر دولت به‌طور مؤثری قابل استیفا نخواهد بود.

مع‌الوصف، اگرچه در برخی مقررات مانند قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، بر لزوم انتشار تصمیمات دآراء آثار عمومی تصریح شده است، اما در خصوص تصمیمات اداری فردی، مقررات صریح و جامعی وجود ندارد. این در حالی است که قانون دیوان عدالت اداری تنها به ابلاغ آراء مراجع اختصاصی اداری مطابق آیین دادرسی مدنی اشاره کرده و نسبت به تصمیمات اداری غیرقضایی ساکت است. مشکل اساسی در این زمینه، فرهنگ اسرارگرایی و عدم شفافیت اداری است که سبب می‌شود بسیاری از تصمیمات بدون اطلاع ذی‌نفع اتخاذ شوند. این وضعیت نه‌تنها زمینه‌ساز تضییع حقوق شهروندان است، بلکه مانع شکل‌گیری اعتماد عمومی به نهادهای اداری می‌شود.

با وجود پیش‌بینی نسبی اصل ابلاغ در قوانین ایران، نبود ضمانت اجرا و تداوم فرهنگ محرمانگی موجب شده است که حق آگاهی و اعتراض اداری شهروندان در عمل تحقق نیابد. به نظر می‌رسد کارآمدی نظام اداری در گرو نهادینه‌سازی شفافیت و الزام قانونی صریح برای ابلاغ تمامی تصمیمات اداری به ذی‌نفعان است.

۲-۷. حق ارائه نظرات و شنیده شدن شهروندان

اصل ارائه دلایل در تصمیمات اداری به معنای الزام مقامات دولتی به بیان شفاف و مستدل مبانی و دلایل تصمیمات خود است، به گونه‌ای که مشخص شود تصمیم اتخاذشده بر اساس کدام قوانین و توجیهات و با چه استدلال‌هایی صورت گرفته است. این الزام، شهروندان را قادر می‌سازد تا از دلایل اتخاذ تصمیمات آگاه شوند و صرف اعلام نتیجه، بدون روشن شدن مبنای قانونی و استدلال پشت تصمیم، کافی نیست.[۱] اهمیت این اصل به ویژه در مواردی که تصمیمات اداری حقوق و منافع شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در صلاحیت‌های اختیاری که تطبیق تصمیم با متن قانون دشوار است و در تصمیماتی که خلاف رویه معمول یا اقدامات پیشین اداره اتخاذ می‌شوند دوچندان است. همچنین اقداماتی که از حد ضرورت فراتر رفته یا شهروندان تقاضای ارائه دلایل کرده‌اند،[۲] از جمله مواردی هستند که الزام به ارائه دلایل بیشتر احساس می‌شود. با این حال، این اصل مطلق نیست و استثناهایی دارد. از جمله: تصمیماتی که به نفع شهروند است، تصمیماتی که به امور داخلی اداره مربوط می‌شوند و به حقوق ذی‌نفع ارتباطی ندارند، تصمیماتی که دلایل آن روشن و واضح است، مواردی که امنیت ملی یا منافع عمومی ایجاب می‌کند دلیل ارائه نشود و تصمیماتی که فوریت موضوع مانع بیان مبانی گردد. ارائه دلایل، پیش‌شرط تحقق حق دفاع نیز محسوب می‌شود،[۳]

---

[۱] Wiener, Celine, (1969), la Motivation des decisions administrative en droit compare, Revue International e de droit compare, Vol. 21, p 781.

[۲] هداوند، مهدی، مشهدی، علی، (۱۳۹۱)، اصول حقوق اداری، تهران: انتشارات خرسندی، ص ۲۰۶.

[۳] Milecka, Kamila, (2011), "The Right to Good Administration in The Light of Article 41 of The Charter of Fundamental Rights of the European Union, Contemporary Legal and Economic Issues, Vol. 3, P 53.

زیرا تنها با دسترسی به استدلال‌ها و مبانی تصمیم، ذی‌نفع می‌تواند نسبت به آن اظهار نظر کرده و از حقوق خود دفاع نماید. بدون شفافیت و ارائه دلایل، امکان ارزیابی تصمیم و اعمال حق دفاع عملاً وجود ندارد و نظارت مؤثر بر عملکرد اداری با محدودیت مواجه خواهد شد.

با وجود اهمیت بنیادین ارائه دلایل در تضمین شفافیت، پاسخگویی و حق دفاع، در نظام اداری ایران هنوز ضمانت اجرایی مشخص و فراگیری برای آن وجود ندارد. این خلأ موجب اتخاذ تصمیمات غیرشفاف و محدودیت در اعمال حق دفاع شهروندان می‌شود و نشان می‌دهد اصلاح قوانین و نهادینه‌سازی فرهنگ ارائه دلایل، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تحقق اداره‌ای پاسخ‌گو و قانون‌مدار است.

۲-۸.. مفهوم و گستره حق استماع شهروندان در برابر اداره

حق استماع یکی از اصول بنیادین عدالت اداری و از ارکان اداره مطلوب در نظام حقوقی اتحادیه اروپاست.[۱] بر اساس قسمت نخست بند ۲ ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، هر شخص باید پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم اداری که ممکن است آثار منفی بر او داشته باشد، از حق استماع برخوردار باشد. این حق به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق شکلی، تضمین‌کننده امکان مشارکت مؤثر افراد در فرایند تصمیم‌گیری اداری است. تحقق حق استماع مستلزم آن است که شخص ذی‌نفع به موقع و به طور مؤثر از تمام اطلاعات و مدارک مرتبط با تصمیم مطلع شود و بتواند دیدگاه‌ها، ادعاها و دفاعیات خود را ارائه کند.[۲] بدین ترتیب اداره موظف است موضوع اداری را به روشنی تبیین و دسترسی به اسناد و دلایل پرونده را برای شخص فراهم سازد، زیرا دفاع مؤثر بدون آگاهی از مبانی پرونده امکان‌پذیر نیست.

در فرایند تصمیم‌گیری، اداره باید نظرات و توضیحات ذی‌نفع را مورد توجه قرار دهد و تنها در موارد استثنایی مانند فوریت‌های خاص می‌تواند بدون استماع نظر وی تصمیم بگیرد. اگر شخصی علی‌رغم اطلاع از روند رسیدگی نخواهد از حق خود استفاده کند، اداره مجاز است رسیدگی را بدون حضور او ادامه دهد. با این حال، چنانچه ثابت شود که فرد از پرونده خود مطلع نبوده یا فرصت دفاع نیافته است، تصمیم اداری صادره ناقض حق استماع تلقی می‌شود و حتی می‌تواند موجب بی‌اعتباری تصمیم گردد، مشروط بر آنکه اثبات شود نتیجه تصمیم در صورت رعایت حق استماع می‌توانست متفاوت باشد.[۳]

ماده ۴۱ منشور، شکل اعمال حق استماع را محدود نکرده است و این حق می‌تواند به صورت کتبی یا شفاهی اعمال شود، مگر آنکه قانون شیوه خاصی مقرر کرده باشد. هرچند این ماده به صراحت فقط به مواردی اشاره دارد که تصمیم اداری تأثیر منفی بر متقاضی دارد، اما به لحاظ منطقی و اصول حکمرانی خوب، حق استماع باید در تمامی مواردی که تصمیمی بر حقوق یا منافع اشخاص اثرگذار است، رعایت گردد. هرچند حق استماع در نظام حقوقی اتحادیه اروپا جایگاهی ریشه‌دار و تضمین‌شده دارد، در بسیاری از نظام‌های ملی از جمله ایران هنوز به صورت صریح و نظام‌مند در قوانین اداری پیش‌بینی نشده است. نبود چنین ضمانت‌هایی می‌تواند به تصمیمات یک‌جانبه، نقض حق دفاع و کاهش اعتماد عمومی بینجامد. نهادینه‌سازی حق استماع در فرآیندهای اداری، شرط اساسی تحقق عدالت اداری و اداره‌ای پاسخ‌گو و شفاف است.

---

۱ Beqiraj, Pranvera, (2016), The Right to Be Heard in the European Union: Case Law, European Joirnal of Mulyidisciplinary Studies, Vol. 1, p 268.

۲ Beqiraj, Pranvera, (2016), The Right to Be Heard in the European Union: Case Law, European Joirnal of Mulyidisciplinary Studies, Vol. 1, p 265.

۳ Milecka, Kamila, (2011), "The Right to Good Administration in The Light of Article 41 of The Charter of Fundamental Rights of the European Union, Contemporary Legal and Economic Issues, Vol. 3, p 52.

۲-۹. بررسی حق استماع شهروندان در برابر اداره در قوانین اتحادیه اروپا

حق استماع پیش از آنکه در اسناد اتحادیه اروپا به عنوان یکی از عناصر اداره‌ی خوب شناخته شود، در آراء دیوان دادگستری اروپا به عنوان یک اصل کلی حقوقی تثبیت شده بود. این حق نخست در پرونده‌های مربوط به رقابت و ضد دامپینگ مطرح شد و سپس به سایر حوزه‌های اداری گسترش یافت.

نخستین بار در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، دیوان اعلام کرد که طرفین باید پیش از صدور هر تصمیم اداری، فرصت ارائه‌ی توضیح و دفاع از منافع خود را داشته باشند.[۱] نقطه‌ی عطف این روند، پرونده‌ی (Transocean 1974) بود که در آن کمیسیون اروپا بدون اطلاع کامل شرکت از شرایط لازم برای معافیت، تصمیمی علیه آن گرفت. دیوان با تأیید نقض حق استماع، این اصل را به عنوان شرط مشروعیت تصمیمات اداری شناسایی کرد. در ادامه، دیوان دامنه این اصل را به سایر حوزه‌ها نیز بسط داد و اعلام کرد که هر جا تصمیم اداری بتواند بر حقوق اشخاص تأثیر گذارد، رعایت حق استماع الزامی است. در دهه‌ی ۱۹۹۰، پرونده‌هایی نظیر شرکت ماهیگیری سوئدی و دانشگاه فنی مونیخ این قاعده را تثبیت کردند؛ در هر دو، کمیسیون اروپا بدون شنیدن اظهارات ذی‌نفعان تصمیم گرفت و از سوی دیوان محکوم شد.[۲] تحول رویهٔ قضایی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که دیوان دادگستری اروپا با تکیه بر اصول عقلانی و عدالت اداری، پیش از قانون‌گذار به دفاع از حقوق شهروندان برخاسته است. بر همین مبنا، می‌توان نتیجه گرفت که دیوان عدالت اداری ایران نیز می‌تواند با الهام از این تجربه، از طریق آراء خود خلأهای قانونی را در حمایت از حقوق شهروندان جبران نماید.

۲-۱۰. جایگاه حق استماع شهروندان در حقوق اداری ایران

در نظام حقوق اداری ایران، حق استماع به‌جز در موارد معدود، به‌طور صریح در قوانین مورد تصریح قرار نگرفته و در عمل نیز در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اداری به‌ندرت اعمال می‌شود. یکی از نمونه‌های معدود شناسایی این حق، در قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ مشاهده می‌شود. نظر به آنکه ثبت املاک اشخاص به‌عنوان اثر ملی، به‌طور مستقیم حقوق مالکانه‌ی آنان را محدود کرده و از ارزش اقتصادی ملک می‌کاهد، قانون‌گذار در ماده ۳ این قانون مقرر کرده است که پیش از قطعیت چنین تصمیمی، به ذی‌نفعان فرصت اعتراض و دفاع از منافع خود داده شود و مأموران اداری نیز مکلف هستند اظهارات آنان را در تصمیم نهایی لحاظ کنند.[۳] نمونه‌ی دیگر تصریح حق استماع در نظام حقوقی ایران را می‌توان در ماده ۲۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ مشاهده کرد.[۴] بر اساس این ماده،

---

[۱] Bignami, Francesca, (2003), Three Generations of Participation Rights in European Administrative, Proceeding Jean Monnet Working Paper No. 11, p 6.

[۲] عطریان، فرامرز، (۱۳۹۵)، تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، دوره ۷، شماره ۱، ص ۲۷۸.

[۳] ماده ۳ قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹: «ثبت مال در فهرست آثار ملی پس از تشخیص و اجازه کتبی وزارت معارف خواهد بود ولکن ثبت مالی که مالک خصوصی داشته باشد باید قبلاً به مالک اخطار شود و قطعی نمی‌شود مگر پس از آن که به مالک اخطار و به اعتراض او اگر داشته باشد رسیدگی شده باشد و وظایف مقرره در این قانون راجع‌به آثار ملی فقط پس از قطعی شدن ثبت برعهده مالک تعلق خواهد گرفت».

[۴] ماده ۲۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶: «در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ می‌شود، چنانچه مؤدی نسبت به آن معترض باشد می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصاً ا به وسیله وکیل تام‌الاختیار خود به اداره امور مالیاتی مراجعه و با ارائه دلایل و اسناد و مدارک کتباً تقاضای رسیدگی مجدد نماید. مسئول مربوط موظف است پس از ثبت درخواست مؤدی در دفتر مربوط و ظرف مهلتی که بیش از سی روز از تاریخ مراجعه نباشد به موضوع رسیدگی و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابرازشده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی ندانست، آن را رد و مراتب را ظهر برگ تشخیص درج و امضاء نماید و در صورتی که دلایل اسناد و مدارک ابرازی را مؤثر در تعدیل درآمد تشخیص دهد و نظر او مورد قبول مؤدی قرار گیرد، مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس و به امضاء ممیز کل و مؤدی خواهد رسید و هرگاه دلایل و اسناد و مدارک ابرازی مؤدی را برای رد برگ تشخیص یا تعدیل درآمد مؤثر تشخیص ندهد باید مراتب را مستدلاً در ظهر برگ تشخیص منعکس و پرونده لمر را برای رسیدگی به هیأت حل اختلاف ارجاع نماید».

پیش از قطعی شدن میزان مالیات مندرج در برگ تشخیص، مأمور مالیاتی مکلف است نظریات و دفاعیات مؤدی را استماع و در صورت موجه بودن، آن را اعمال نماید. در نتیجه، این ماده را می‌توان یکی از مصادیق روشن پذیرش حق استماع در نظام اداری کشور دانست؛ چراکه فرآیند تصمیم‌گیری باید پیش از قطعیت و در همان اداره‌ی امور مالیاتی انجام پذیرد.

افزون بر این، ماده ۱۳۸ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ نیز از دیگر مواردی است که به‌طور ضمنی مؤید حق استماع است.[۱] این ماده به مخاطب تصمیم گمرک اجازه می‌دهد تا پیش از قطعیت تصمیم، اعتراض خود را مطرح کند و اداره‌ی گمرک را مکلف به بررسی و شنیدن اظهارات وی می‌نماید. همچنین در برخی مراجع شبه‌قضایی نیز این حق پیش‌بینی شده است؛ از جمله ماده ۱۸ آیین‌نامه‌ی قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۳ و ماده‌ی ۶۰ آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۲ که بر لزوم استماع اظهارات طرفین تأکید دارند. در مقابل، در مواردی که تصمیمات اداری آثار عمیق و گسترده‌ای بر حقوق اشخاص دارند، قانون‌گذار چنین حقی را پیش‌بینی نکرده است. از جمله، می‌توان به ماده ۲ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ اشاره کرد که بر اساس بند «الف» آن، ضبط کالا و ارز صرفاً با تصمیم اداری انجام می‌شود، بی‌آنکه فرآیند شنیدن اظهارات ذی‌نفع در قانون یا آیین‌نامه‌های اجرایی آن پیش‌بینی شده باشد. هرچند امکان شکایت از این تصمیمات نزد دیوان عدالت اداری وجود دارد، اما این نظارت قضایی عمدتاً ناظر بر جنبه‌های حکمی است و مسائل موضوعی را در بر نمی‌گیرد. به علاوه، باید میان حق استماع و حق اعتراض تمایز قائل شد؛ چراکه استماع حقی پیشینی و درون‌اداری است، در حالی که اعتراض ماهیتی پسینی دارد. همچنین، در فرآیند رسیدگی در بسیاری از مراجع شبه‌قضایی از جمله دادگاه‌های اداری مندرج در قانون شهرداری، پیش‌بینی روشنی در خصوص حق استماع وجود ندارد. در رویهٔ قضایی نیز دیوان عدالت اداری تا کنون رأی مشخصی مبنی بر به رسمیت شناختن حق استماع در تصمیمات اداری یا مراجع شبه‌قضایی صادر نکرده است؛ در حالی که این مرجع می‌توانست با تکیه بر اصول عقلی و مبانی حقوق شهروندی، خلأهای قانونی را جبران کند.

بدین‌سان، هرچند مبانی عقلانی و اصول حقوق عمومی، مشروعیت تصمیمات اداری را منوط به رعایت حق استماع می‌دانند، اما دیوان عدالت اداری ایران در عمل تمایل اندکی به تفسیر توسعه‌ای این حق نشان داده است. در شرایط کنونی، ضروری به نظر می‌رسد که این مرجع با اتکا به اصول کلی حقوقی و وظیفه‌ی صیانت از حقوق شهروندان، به بازتعریف و تقویت این حق بپردازد تا از رهگذر آن، عدالت اداری در معنای پیشینی آن تحقق یابد و فاصله‌ی میان قانون و اجرا کاهش پیدا کند.

۲-۱۱. دسترسی آزادانه به اطلاعات اداری

مهم‌ترین مستند قانونی در زمینهٔ حق دسترسی به پرونده، ماده‌ی ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا است. در این ماده، به‌صراحت تصریح شده است که حق دسترسی به پرونده از جمله حقوق اساسی شهروندان اروپایی و یکی از مؤلفه‌های بنیادین اداره‌ی مطلوب به شمار می‌رود. به موجب بند دوم این ماده، هر شخص حق دارد با رعایت منافع

---

۱ ماده ۱۳۸ قانون امور گمرکی: «اشخاصی که کسر دریافتی از آن‌ها مطالبه می‌شود هرگاه نسبت به مبلغ مورد نظر مطالبه اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ مطالبه نامه دلایل اعتراض خود را به طور کتبی به گمرک اعلام دارند در این صورت گمرک به اعتراض‌نامه رسیدگی می‌کند و در مواردی که اعتراض موجه شناخته شود از ادامه مطالبه خودداری می‌نماید وگرنه دلیل اعتراض را به مؤدی ابلاغ می‌کنند که در آن صورت چنانچه صاحب کالا به اعتراض خود باقی باشد می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بدون تودیع سپرده، درخواست ارجاع پرونده به کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی را بنماید. ارجاع پرونده بعد از مهلت‌های فوق حداکثر تا شش ماه امکان‌پذیر است و مستلزم تأمین مبلغ کورد مطالبه می‌باشد».

مشروع، محرمانگی و اسرار تجاری و شغلی، به پرونده‌ی مربوط به خود دسترسی داشته باشد. بند یادشده، در واقع دو رکن اساسی از حق دفاع در حقوق اداری را بیان می‌دارد: نخست، حق استماع که بدون آن حق دفاع تحقق نخواهد یافت و دوم، حق دسترسی به پرونده که شرط لازم برای اعمال مؤثر حق استماع است. بدین‌سان، منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا با تضمین صریح این حق، آن را در شمار حقوق اساسی شهروندان قرار داده است. اصطلاح «پرونده» در ماده‌ی یادشده، به تمامی اسناد و مدارکی اطلاق می‌شود که در جریان یک فرآیند اداری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.[۱] اهمیت این موضوع از آن روست که هیچ مقام اداری مجاز نیست در اتخاذ تصمیم، به مدارکی استناد نماید که برای ذی‌نفع قابل دسترسی نیست.[۲] در واقع، استفاده از اسناد غیرقابل مشاهده برای شخص ذی‌نفع، نقض آشکار حق دفاع و بی‌اعتنایی به اصل شفافیت اداری است.

با این حال، این حق نیز همانند دیگر حقوق اداری، مطلق و بی‌قید نیست. استثناهای مقرر در ماده‌ی ۴۱ شامل مواردی است که افشای اطلاعات می‌تواند به منافع مشروع یا اسرار شغلی و تجاری لطمه وارد کند. بنابراین، چنانچه کارمند عمومی تشخیص دهد که ارائه‌ی اطلاعات مندرج در پرونده به متقاضی، منافع قانونی یا اسرار حرفه‌ای اشخاص را تهدید می‌کند، می‌تواند از افشای آن خودداری ورزد. البته این امتناع، صرفاً در صورتی موجه است که تصمیم مأمور اداری مستدل، مستند و قابل دفاع باشد؛ چراکه هرگونه خودداری از ارائه‌ی اطلاعات بدون پشتوانه‌ی منطقی و قانونی، خود نقضی بر حق دسترسی محسوب می‌شود. بدین‌ترتیب، حق دسترسی به پرونده نه تنها ابزاری برای تضمین حق دفاع و اجرای صحیح حق استماع است، بلکه جلوه‌ای از شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در اداره‌ی عمومی به شمار می‌رود.[۳]

با این وصف، تأمل در نظام اداری ایران نشان می‌دهد که این حق هنوز جایگاه مستقلی در ساختار حقوق اداری کشور نیافته است؛ در حالی که تضمین مؤثر آن می‌تواند از بسیاری از تصمیمات ناعادلانه و شکایات اداری جلوگیری نماید. بنابراین، به نظر می‌رسد که تدوین مقررات صریح در باب حق دسترسی به پرونده و الزام ادارات به افشای مستندات تصمیمات خود، ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق عدالت اداری و بازسازی اعتماد عمومی به نظام اداری کشور است.

روش

روش این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است. در این راستا، ابتدا با اتکا به منابع کتابخانه‌ای، اسناد بین‌المللی، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، آراء دیوان دادگستری اتحادیه اروپا و همچنین آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ایران، اصول و مبانی نظری مرتبط با «اداره مطلوب» و مؤلفه‌های بنیادین آن شامل حق دفاع، حق استماع، اصل منع تبعیض، شفافیت، الزام به ارائه دلایل و مسئولیت‌پذیری اداری استخراج و تحلیل شد.

در گام دوم، با بهره‌گیری از روش تحلیل استنباطی و مقایسه‌ای، چگونگی انعکاس این اصول در دو نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا بررسی گردید تا تفاوت در مبانی، گستره شمول و ضمانت اجرای آنها آشکار شود. النهایه، با مطالعه محتوای قوانین داخلی نظیر قانون مدیریت خدمات کشوری، آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط و آراء دیوان عدالت اداری، میزان کاربست این اصول در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اداری در ایران مورد ارزیابی قرار گرفت.

---

۱ Milecka, Kamila, (2011), "The Right to Good Administration in The Light of Article 41 of The Charter of Fundamental Rights of the European Union, Contemporary Legal and Economic Issues, Vol. 3, p 52.

۲ Bignami, Francesca, (2003), Three Generations of Participation Rights in European Administrative, Proceeding Jean Monnet Working Paper No. 11, p 207.

۳ White, Simone, (2009), Rights of the Defense in Administrative Investigations: Access to the File in EC Investigations, Review of European Administrative Law, Vol. 2, p 67.

هدف اصلی روش‌شناسی حاضر، نه صرف توصیف قواعد، بلکه تبیین نسبت میان عدالت رویه‌ای و کآراءی اداری و یافتن الگوی بومی برای ارتقای پاسخگویی و شفافیت در اداره عمومی کشور است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، اصولی نظیر حق استماع، حق دسترسی به پرونده، ارائه دلایل تصمیم و منع تبعیض نه صرفاً توصیه‌های اخلاقی، بلکه حقوق بنیادین و لازم‌الاجرای شهروندان تلقی می‌شوند که تخطی از آنها، موجب بی‌اعتباری تصمیم اداری است. دیوان دادگستری اروپا این اصول را به‌عنوان ارکان اداره خوب تثبیت کرده و آن‌ها را لازمه شفافیت، پاسخگویی و اعتماد عمومی می‌داند.

در مقابل، بررسی قوانین و رویه‌های اداری در ایران نشان می‌دهد که گرچه در برخی متون مانند ماده ۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره ۱ ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، اشاراتی پراکنده به لزوم بیان دلایل تصمیمات و رعایت برابری فرصت‌ها وجود دارد، اما نظام حقوقی ایران از الزام جامع و منسجم در رعایت این اصول در فرآیند تصمیم‌گیری‌های اداری بی‌بهره است. این فقدان، موجب تضعیف شفافیت و کاهش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد دستگاه‌های اجرایی می‌شود.

از سوی دیگر، تحلیل آراء دیوان عدالت اداری بیانگر آن است که هرچند دیوان در مواردی اصولی چون برابری فرصت‌ها، منع تبعیض و لزوم مستند و مستدل بودن تصمیمات را مورد استناد قرار داده است، اما این ملاحظات غالباً به‌صورت موردی و محدود اعمال شده و هنوز به سطح یک قاعده عام در نظام اداری ایران ارتقا نیافته است.

مع‌الوصف، می‌توان گفت که تحقق اداره مطلوب در ایران، مستلزم گذار از رویکرد شکلی و حداقلی در تصمیم‌گیری اداری به سمت رویکردی است که در آن پاسخگویی، حق اعتراض، شفافیت و مستدل بودن تصمیمات به‌عنوان حقوق مسلم شهروندان به رسمیت شناخته شود. تحقق این هدف بدون بازنگری در ساختار حقوق اداری و ایجاد الزام قانونی عام برای رعایت اصول انصاف اداری ممکن نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که اداره مطلوب یا حکمرانی خوب، مفهومی چندبعدی و پیوسته است که تحقق آن در هر نظام حقوقی، نیازمند تلفیق اصول اخلاقی، حقوقی و اجرایی است. این اصول، از جمله حق دفاع، شفافیت، پاسخگویی، شایسته‌سالاری، دسترسی آزاد به اطلاعات، منع تبعیض و عقلانیت، در کنار سازوکارهای عملی مانند نظارت، بازنگری تصمیمات و امکان اعتراض، ستون‌های اصلی تحقق عدالت اداری را تشکیل می‌دهند.

تحلیل تطبیقی میان نظام حقوقی ایران و نظام‌های اروپایی نشان داد که اگرچه قوانین و مقررات ایران در سطح اصول، توجهی به مفاهیم اداره مطلوب دارند، اما فقدان ضمانت‌های اجرایی قوی، نهادینه شدن ناقص سازوکارهای پاسخگویی و ضعف شفافیت اداری، مانع تحقق واقعی این اصول شده است. به عبارت دیگر وجود قوانین صرفاً ابزار اولیه است و برای رسیدن به عدالت اداری واقعی، نیازمند اصلاحات نهادی و فرهنگی همزمان هستیم.

یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش آن است که اداره مطلوب نه تنها به رعایت قوانین محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد متقابل میان شهروندان و مقامات اداری است. پاسخگویی واقعی، دسترسی مؤثر به اطلاعات، امکان اعتراض و بازنگری تصمیمات، شفافیت و رفتار عادلانه مدیران، همگی از ابزارهای عملیاتی هستند که می‌توانند این اعتماد را بازسازی و تقویت کنند.

همچنین، پژوهش نشان داد که فساد اداری و تمرکز قدرت بدون نظارت، بزرگ‌ترین تهدید برای کیفیت تصمیمات و سطح زندگی شهروندان است. کاهش فساد و ارتقای کیفیت خدمات عمومی، مستلزم تقویت سازوکارهای شفافیت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت عمومی است. تحقق این اهداف، علاوه بر اصلاح ساختارهای قانونی، نیازمند تغییر فرهنگی و آموزشی در رفتار کارکنان و مدیران نیز می‌باشد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که اداره مطلوب و عدالت اداری، فرآیندی پیوسته و چندلایه است که هم اصول بنیادین حقوقی و انسانی را در بر می‌گیرد و هم نیازمند سازوکارهای اجرایی و نظارتی متوازن است. تحقق واقعی این مفهوم، هم مستلزم اصلاح قوانین و ساختارها و هم نهادینه شدن فرهنگ پاسخگویی، شفافیت و احترام به حقوق شهروندان است. در نبود چنین تلفیقی، تلاش‌ها برای ارتقای حکمرانی خوب به سطح نظری محدود خواهند ماند و اعتماد عمومی به نظام اداری همچنان آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند.

منابع

احسائی، ابن‌ابی، محمد، (۱۳۶۳)، عوالی النئالی، قم: مؤسسه سیدالشهدا.

جمشیدی، علیرضا، پتفت، آرین، (۱۳۹۵)، حقوق شهروندی در پرتو آیین‌های نوین اداری، فصلنامه اخلاق زیستی، سال ۶، شماره ۲۹.

حبیبی، محمد، (۱۳۹۸)، نقش شفافیت و پاسخگویی در حقوق اداری ایران، مجله حقوق عمومی ایران، ۵(۲).

حسینی، علی، (۱۳۹۸)، عدالت اداری و حقوق شهروندی. تهران: نشر میزان.

خسروی، حسن، حسینی، محمد جواد، (۱۳۹۹)، سرآغازی بر حقوق بشر اداری، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال ۲، شماره.

راغی اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹)، معجم مفردات الفاظ قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

رضایی‌زاده، محمد جواد، عطریان، فرامرز، (۱۳۹۳)، اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، سال ۳، شماره ۱۰.

رنجبر، احمد، (۱۳۹۵)، عدالت اداری، تهران: بنیاد حقوق میزان.

زارعی، محمد حسین، (۱۳۸۹)، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، نشریه مدیریت دولتی، شماره ۳۸.

سلمانی، ذبیح‌الله، شریفی، ارکان و فرکیش، هانه، (۱۴۰۳)، بررسی چالش‌های اجرای حقوق شهروندی در نظام اداری ایران مبتنی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب، مطالعات حقوق عمومی، ۵۴(۳).

شمس، رضا، (۱۴۰۰)، شفافیت و عدالت اداری: بازخوانی نقش دسترسی به اطلاعات، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۱(۳).

عطریان، فرامرز، (۱۳۹۵)، تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، دوره ۷، شماره ۱.

عطریان، فرامرز، (۱۳۹۶)، حقوق اداری تطبیقی، اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوی ایران و اتحادیه اروپا، تهران: نشر میزان.

قاضی‌زاده، رضا، (۱۳۹۷)، کنترل قضایی تصمیمات اداری در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله حقوق اداری، ۸(۱).

کاظمی، آرش، برزگر، عبدالرضا، حسینی صدرآبادی، ایرج، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر عالت اداری در تحقق دولت مطلوب در نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۱۲، شماره ۴۹.

مرادی، صادق، ابول‌پور، عسل، (۱۴۰۴)، شناخت حقوق اساسی، تهران: انتشارات آسنا.

مرادی، صادق، حسینی، پریا، (۱۴۰۴)، شناخت حقوق اداری، تهران: انتشارات آسنا.

موسی‌زاده، ابراهیم، (۱۳۹۷)، مؤلفه‌ها و اصول حقوقی حاکم بر «نظام اداری صحیح»، سال ۷، شماره ۲.

نقیبی‌مفرد، حسام، (۱۳۸۹)، صلاحیت تخییری، تهران: معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی.

هداوند، مهدی، (۱۳۸۸)، اصول حقوق اداری، تهران: خرسندی.

هداوند، مهدی، مشهدی، علی، (۱۳۸۹)، اصول حقوق اداری، تهران: انتشارات خرسندی.

هداوند، مهدی، مشهدی، علی، (۱۳۹۱)، اصول حقوق اداری، تهران: انتشارات خرسندی.

References

Batalli, Mirlina and Artan Fejullahu, (2018), Principles of Good Administration under the European, Code of Good Administrative Behavior, Pecs Journal of International and European Law, No. 1.

Behn, Robert, (2001), Rethinking Democratic Accountability, Washington, DC: Brookings Institution Press.

Beqiraj, Pranvera, (2016), The Right to Be Heard in the European Union: Case Law, European Joirnal of Mulyidisciplinary Studies, Vol. 1.

Bignami, Francesca, (2003), Three Generations of Participation Rights in European Administrative, Proceeding Jean Monnet Working Paper No. 11.

Boyne, George, (2003), Sources of public service improvement: A critical review and research agenda, Journal of Public Administration Research and Theory, 13(3).

Cheshmedzhieva, Margarita, (2014), The Rights of Good Administration, American International Journal of Contemporary research, vol. 4. No. 8.

Craig, Paul, & de Búrca, Gráinne, (2020). EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press.

Craig, Paul, (2012), Administrative law and government accountability, Oxford: Oxford University Press.

Craig, Paul, and de Búrca, Grainne, (2020), EU Law: Text, Cases, and Materials (7th ed.), Oxford: Oxford University Press.

Cuculoska, Irena, (2018), The Scope of Application of the Charter's Right to Good Administration of the European Union, Journal of Liberty and International Affairs, Vol. 3.

Dicey, Albert, (1982), Introduction to the study of the law of the constitution, (10th ed.). London: Macmillan.

European Union. (2012). Charter of Fundamental Rights of the European Union. Luxembourg: Publications Office of the EU, Art. 41.

Hawke, Neil, (1998), Introduction to Administrative Law, London: Cavendish pub.

Janderova, Hana, (2024), Transparency and Equality in Administrative Justice: European Perspectives, European Public Law, 30(1).

Ma, Yongqiang, Ma, Baobin, Yu, Lichun, Ma, Mingyang, and Dong Yibing, perceived social fairness and trust in government serially mediate the effect of governance quality on subjective well-being, Nature Publishing Group.

Mashaw, Jerry, (1985), Bureaucratic Justice: Managing Social Security Disability Cases. New Haven, CT: Yale University Press.

Mashaw, Louis Jerry, (2007), Reasoned Administration: The European Union, the United States and the Project of Democratic Governance, The George Washington Law Review, Vol. 76.

Milecka, Kamila, (2011), "The Right to Good Administration in The Light of Article 41 of The Charter of Fundamental Rights of the European Union, Contemporary Legal and Economic Issues, Vol. 3.

Osborne, Steph, (2010), The New Public Governance? Emerging Perspectives on the Theory and Practice of Public Governance, Routledge.

Raz, Joseph, (1979), The authority of law: Essays on law and morality, Oxford University Press.

Rothstein, Bo, (2011), The Quality of Government: Corruption, Social Trust, and Inequality in International Perspective. Chicago: University of Chicago Press.

Sari, Ade Risna, (2025), The Impact of good governance on the quality of public management decision making, Journal of Contemporary Administration and Management.

Shapiro, Susan, (2011), Administrative justice and procedural rights in comparative perspective, International Journal of Public Law, 19(2).

Streho, Imola, (2014), Good Administration in the European Union Moving toward a Culture of Service for the European Institutions, Revue de 1 OFCE Debates and policies, No. 134.
Tyler, Tom, (2006), Why People Obey the Law, Princeton, NJ: Peinceton University Press.
Vala Kristjans-dottir, Margret, (2013), Good Administration as a Fundamental Right: Icelandic Review of Politics and Administration, Vol. 9, Issue 1.
Wade, Harold, and Forsyth, Christopher, (2014), Administrative Law (11th ed.), Oxford: Oxford University Press.
White, Simone, (2009), Rights of the Defense in Administrative Investigations: Access to the File in EC Investigations, Review of European Administrative Law, Vol. 2.
Wiener, Celine, (1969), la Motivation des decisions administrative en droit compare, Revue International e de droit compare, Vol. 21.

In Persian

Ahsaei, Ibn Abi Mohammad, (1984), Awali-e-Naali, Qom: Seyyed al-Shohada Institute. [In Persian]
Atrian, Faramarz (2016), Realizing the Right to Defense in the Light of the Concept of Good Administration: A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and the European Union, Volume 7, Issue 1. [In Persian]
Atriyan, Faramarz, (2017), Comparative Administrative Law: Good Administration; Comparative Study of the Legal Systems of Iran and the European Union, Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
Ghazizadeh, Reza, (2018), Judicial Control of Administrative Decisions in Iran: Opportunities and Challenges, Journal of Administrative Law, 8(1). [In Persian]
Habibi, Mohammad, (2019), The Role of Transparency and Accountability in Iranian Administrative Law, Journal of Public Law, Iran, 5(2). [In Persian]
Hadavand, Mehdi, (2010), Principles of Administrative Law, Tehran: Khorsandi. [In Persian]
Hadavand, Mehdi, and Mashhadi, Ali, (2010), Principles of Administrative Law, Tehran: Khorsandi Publications. [In Persian]
Hadavand, Mehdi, and Mashhadi, Ali, (2012), Principles of Administrative Law, Tehran: Khorsandi Publications. [In Persian]
Hosseini, Ali, (2019), Administrative Justice and Citizens' Rights, Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
Jamshidi, Alireza, and Patfat, Arian, (2016), Citizens Rights in the Light of Modern Administrative Rituals, Journal of Biological Ethics, Year 6, Issue 29. [In Persian]
Kazemi, Arash, Barzegar, Abdolreza, and Hosseini Sadrabadi, Iraj, (2019), Studying the Effect of Administrative Mechanisms on the Realization of a Desirable State in the Iranian Legal System, Quarterly Journal of Political and International Research, Year 12, Issue 49. [In Persian]
Khosravi, Hassan, and Hosseini, Mohammad Javad, (2019), Introduction to Administrative Human Rights, Journal of Modern Research in Administrative Law, Year 2, Issue unspecified. [In Persian]
Moradi, Sadegh, and Abolpour, Asal, (2015), Understanding Basic Law, Tehran: ASNA Publications. [In Persian]
Moradi, Sadegh, and Hosseini, Paria, (2015), Understanding Administrative Law, Tehran: ASNA Publications. [In Persian]
Musaizadeh, Ebrahim, (2018), Legal Components and Principles Governing the 'Correct Administrative System, Year 7, Issue 2. [In Persian]
Naghibi-Mofard, Hesam, (2010), Optional Jurisdiction, Tehran: Deputy for Research, Education, and Citizen Rights. [In Persian]
Raghi Isfahani, Hossein bin Mohammad, (2010), Dictionary of the Words of the Quran, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah. [In Persian]
Ranjabr, Ahmad, (2016), Administrative Justice, Tehran: Mizan Legal Foundation. [In Persian]
Rezaeizadeh, Mohammad Javad, and Atrian, Faramarz, (2014), The Principle of the Requirement to Provide Reasons for Administrative Decisions in the Light of the Concept of Good Administration: A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and the European Union, Year 3, Issue 10. [In Persian]

Salmani, Zabihollah, Sharifi, Arkan, and Farkish, Haneh, (2014), Examining the Challenges of Implementing Citizen Rights in the Iranian Administrative System Based on the Components of Good Governance, Public Law Studies, 54(3). [In Persian]

Shams, Reza, (2017), Transparency and Administrative Justice: Revisiting the Role of Access to Information, Legal Studies Quarterly, 11(3). [In Persian]

Zarei, Mohammad Hossein, (2010), An Analysis of the Linkage between Administrative Law and Public Administration Based on the Rule of Law, Journal of

استناد به این مقاله: مرادی، صادق، و حاصلی، مهرنوش. (۱۴۰۵). امکان یا امتناع حق اداره مطلوب در نظام حقوق اداری ایران. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۶(۳)، ۱۵-۳۷.

Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.